

نگاهی گفتمانی به برساخت مفهوم ازدواج در ایران قبل از انقلاب با تأکید بر برساخت «زن مطلوب»

سید علی اصغر سلطانی^۱، سیده فاطمه آقامیری^{۲*}

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۱۶ صص: ۵۸-۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۸/۷/۲۴

چکیده

در دوره‌ی پهلوی (۱۹۴۱-۱۹۷۹) در ایران جریان‌ات مدرنیته و تلاش‌های فمینیستی در تقابل با اندیشه‌های روحانیت و هم‌چنین روشن‌فکری دینی قرار گرفتند. در این مقاله نویسندگان با نگاهی گفتمانی، چهار کتاب قبل از انقلاب را انتخاب کردند تا به این سؤالات پاسخ دهند که چه گفتمان‌هایی از ازدواج و زن مطلوب برای ازدواج در آن دوره وجود داشته است و آیا تغییرات اجتماعی و فرهنگی بر گفتمان ازدواج هم تأثیر داشته‌اند یا خیر. برای بررسی این متون، از نظریه-ی گفتمان لاکلاو و موفه (۱۹۸۵) و نشانه‌شناسی گفتمانی (Soltani, 2015) به‌مناب‌ی چارچوب نظری و روش استفاده شد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که گفتمان دینی اسلامی با نگاهی ذات‌گرایانه به ازدواج، تولید مثل را از اهداف مهم در آن می‌داند و زن مطلوب را برای ازدواج، زنی قلمداد می‌کند که خویش‌ن‌دار، لطیف، تأمین‌کننده‌ی نیاز جنسی مرد و مادری فداکاری باشد. به‌علاوه، گفتمان عمومی نیز نگاهی ذات‌گرایانه به امر ازدواج داشته است و زن مطلوب را زنی زیبا، باوقار و رئیس‌خانه می‌داند. این دو گفتمان تنها تحت‌تأثیر گفتمان روحانیت هستند.

واژه‌های کلیدی: تحلیل گفتمان، ازدواج، ایران پیش از انقلاب، زن مطلوب.

^۱ دکترای زبان‌شناسی همگانی، دانشیار دانشگاه باقر العلوم، aasultani@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکترای مطالعات زنان، دانشگاه ادیان و مذاهب قم، fateme.ghamiri64@gmail.com

* نویسنده مسئول مقاله: fateme.ghamiri64@gmail.com

مقدمه

امروزه به‌خاطر آن‌که ازدواج و همسرگزینی به‌شدت در حال تغییر و تحول است، این موضوع برای بسیاری از متفکرین به صورت مسأله درآمدی است. در جریان تغییرات اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی تغییر می‌کند، بنابراین شیوه‌های همسرگزینی، هم‌چنین انتظارات زن و شوهر و مناسبات آن‌ها هم دگرگون خواهد شد (Manesh, 2005) (Mahbubi). امروزه با معنایی از ازدواج و ملاک‌هایی برای آن مواجه هستیم که در گذشته مطرح نبوده است؛ اکنون آزادی انتخاب و حفظ فردیت معنایی تازه به ازدواج داده که در چند دهه‌ی گذشته چندان استقبال نمی‌شده است و از سویی دیگر در دهه‌های اخیر اعتقاد به سرنوشت و تقدیر در ازدواج چندان خریدار نداشته است. با توجه به فرهنگ سنتی و اسلامی در ایران و اهمیت ازدواج، این امر از موضوعاتی است که مدام نویسندگان را به خود مشغول داشته و مورد بحث‌های توصیفی و تحلیلی متفکران قرار گرفته و از قبل از انقلاب تاکنون (که مکتوبات جلوه‌ای بیشتر گرفته‌اند) نگاه‌های موشکافانه‌ای به آن شده است. نویسندگان مقاله با جستجوی دقیقی در سایت کتابخانه‌ی ملی به این نتیجه رسیدند که از حدود یک دهه قبل از انقلاب تاکنون ۲۴۱۷ کتاب در مورد ازدواج در ایران نوشته و یا ترجمه شده است. این در حالی است که خود این آثار مورد توجه قرار نگرفته‌اند که از نظر مضمونی به چه بخشی از ازدواج پرداختند و یا چه شباهت‌ها و اختلافاتی در آن‌ها وجود دارد و در واقع، چه گفتمانی مشابه و یا متفاوتی را رقم زده‌اند.

این مقاله در پی بررسی مفهوم ازدواج در دوره‌ی پرچالش پهلوی دوم است. برای پاسخ به این سؤال نویسندگان کتاب‌هایی را که در این دوره در مورد ازدواج به چاپ رسیده مدنظر قرار دادند و چهار کتاب را از میان آن‌ها انتخاب کرده‌اند. هدف این مقاله پاسخ به این سؤالات است که در کتاب‌های ازدواج دوره‌ی قبل از انقلاب، ازدواج در چند گفتمان مطرح می‌شود؟ و آیا بافت چندگانه‌ی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن زمان بر مفهوم ازدواج تأثیر داشته است یا خیر؟

برای این‌که بتوان بهتر به مقصود رسید، از تحلیل گفتمان برای به سرانجام رسیدن این مطالعه استفاده شده است. تحلیل گفتمان نگرشی برساخت‌گرایانه دارد و بر این امر متکی است که معنا ثابت نیست. در این حیطه، افراد مختلفی وجود دارند که دو نفر از آن‌ها لاکلاو و موفه هستند که تحت تأثیر فوکو هستند و در جایگاه تحلیل گفتمان انتقادی قرار می‌گیرند. «نظریه‌ی گفتمان ارنستو لاکلاو و شانتال موفه با این ایده پساساخت‌گرایانه شروع می‌کند که گفتمان جهان اجتماعی را در قالب معنا برمی‌سازد و از آن‌جا که زبان به‌نحوی بنیادین بی‌ثبات است، معنا به هیچ وجه نمی‌تواند برای همیشه ثابت بماند.» (Jorgensen & Phillips, 2011). این مقاله با توجه به نظر لاکلاو و موفه در مورد دال و مدلول‌ها به تحلیل چهار اثر خواهد پرداخت.

هدف این مقاله کمک به بازشناسی ادبیات ازدواج است که در حال حاضر بر روی چهار کتاب که از کتاب‌های اولیه‌ی ازدواج در ایران معاصر محسوب می‌شوند، انجام می‌شود. با تحلیل این چهار اثر می‌توان شناخت بیشتری نسبت به ادبیات ازدواج دهه‌ی قبل از انقلاب پیدا کرد که گفتمان رایج در آن زمان چگونه و نزدیکی ادبیات آثار در چه اندازه بوده است.

پیشینه‌ی مطالعات

مقالات و پایان‌نامه‌های زیادی درباره‌ی ازدواج در ایران نوشته شده است، اما نگارندگان با پژوهشی که با تحلیل گفتمان به سراغ این موضوع رفته باشد برخورد نکرده است و هم‌چنین پژوهشی که به بررسی چهار کتابی را که در این‌جا مورد تحلیل قرار می‌گیرد، نیافته است. با بررسی پژوهش‌هایی که در حیطه‌ی ازدواج انجام شده، نگارندگان آن‌ها را به شش گروه تقسیم کرده است: تاریخی، حقوقی، دینی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، مسائل و چالش‌های تازه. برخی از پژوهش‌های انجام شده در مورد معنای ازدواج، رویکردی صرفاً دینی و اسلامی داشتند. شجاعی بیدواز (2010) در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان «نقش آموزه‌های قرآنی در پایداری ازدواج با تأکید بر آرای علامه طباطبائی و آیت الله جوادی آملی» در سه فصل به نقش آموزه‌های قرآنی در پایداری ازدواج می‌پردازد و در پایان نتیجه می‌گیرد که هرچند اسلام حقوق واجب و مستحبی را برای زن و شوهر قرار داده، اما حقوق صرفاً نمی‌تواند تضمین‌کننده‌ی استحکام زن و شوهر باشد. آن چیزی که در مسایل حقوقی نمی‌گنجد، رابطه‌ای عاطفی است که بین زن و مرد در اسلام بدان توصیه شده و می‌تواند تضمین‌کننده باشد. علی محمدی و زرگوش (2014) با این سؤال که آیا روی آوردن به ازدواج عرفی و حکم به جواز آن از سوی برخی از دانشیان سنی مذهب، صحت عقیده‌ی شیعه مبنی بر مشروعیت ازدواج موقت و نیاز به آن در شرایط خاص را مورد تأکید قرار نمی‌دهند؟ در پژوهش خود به ازدواج عرفی توجه می‌کنند. در این پژوهش که به روش توصیفی و تحلیلی انجام پذیرفته، ضمن برشمردن مهم‌ترین عوامل گرایش به این نوع ازدواج، نتیجه آن است که ازدواج مذکور به دلیل دارا نبودن برخی ارکان و شرایط ازدواج دائم، از قبیل مهریه، تهیه‌ی مسکن و نفقه و نیز برخی از ارکان ازدواج موقت، مثل تعیین مدت نکاح، مشروعیت ندارد و گرایش بخشی از جوامع سنی مذهب به آن، اذعان به صحت اعتقاد شیعه به مشروعیت ازدواج موقت است.

بعضی از پژوهش‌ها با نگاهی جامعه‌شناختی به سراغ موضع ازدواج رفتند. سرایی و اوجاقلو (2013) در مقاله‌شان در پی بررسی و مقایسه‌ی نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران و در بین خانواده‌های شهر زنجان هستند و به این نتیجه رسیدند که بالاترین سطح ارزش ازدواج مربوط

نسل متولدین سال‌های قبل از ۴۲ که گروه سنی بالای ۵۰ سال را تشکیل داده اند، می‌باشد. به نظر می‌رسد در نسل‌های مربوط به پیش از انقلاب، نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده در حد قوی و در نسل انقلاب و جنگ، تاحدی متوسط و در نسل‌های بعد از انقلاب و جنگ که بیشتر از سایر نسل‌ها در معرض تجربه‌ی جهانی شدن و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی بوده‌اند، نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده و بطور کلی ارزش ازدواج پایین است. عباس زاده و نیکدل (2017) به دنبال پاسخ به این سؤالات هستند که چگونه به رغم تمایل دختران به ازدواج و تلاش آنان برای دستیابی به سرمایه‌های اجتماعی هم‌چون تحصیلات، شغل، استقلال مالی، و... روز به روز سن ازدواج دختران بالاتر می‌رود؟ چه زمینه‌ها و بستری‌های موانع اصلی بر سر راه ازدواج دختران است؟ تجربه‌ی زیسته‌ی دخترانی که در سن مطلوب ازدواج نکرده‌اند، در مواجهه با این تأخیر چگونه است؟ درک و تصور این دختران از تجردشان به چه صورت است؟ پژوهش‌گران با رویکردی پدیدارشناختی و به قصد کشف تفاسیر کنشگران واجد شرایط به مطالعه‌ی آن می‌پردازند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد اگرچه ۹۰ درصد سوژه‌های بررسی‌شده تمایل خود را به ازدواج نشان دادند، زمینه‌های فردی و اجتماعی و فرهنگی زیادی را به منزله‌ی عامل بازدارنده بر سر راه ازدواج درک کرده‌اند. یافته‌ها گویای آن است که نفوذ تحولات مدرن و شالوده‌شکنی نه تنها ساختارهای کلان را دچار دگرگونی کرده، بلکه به شخصی‌ترین و خردترین رویکردهای گزینشی و از آن جمله انتخاب همسر نفوذ کرده است.

رویکرد روان‌شناختی نیز از رویکردهای مهمی بوده است که پژوهش‌های زیادی در قالب آن انجام شده‌اند. غلامزاده جفره (2016) در پژوهش خود به بررسی اهداف کارکردهای ازدواج در افراد متأهل می‌پردازد. نتیجه‌ی اساسی که پژوهشگر به آن می‌رسد این است که افرادی که از ازدواجشان و در واقع از هر کدام کارکردهای ازدواجشان هدف‌گذاری داشتند؛ یعنی در تک تک کارکردهایی از جمله آرامش یافتن، فرزندآوری و فرزندپروری و دیگر کارکردها، رضای خدا را در نظر داشتند، وقتی با نشاط‌تر بودند که فکر می‌کردند در زندگی کارهایی در جهت رضای خدا انجام داده‌اند و این حس تقرب به خدا باعث نشاط بیشترشان می‌شد. محمدی (2017) سؤالات پژوهش خود را این‌گونه مطرح کرد: تجربه‌ی افراد متأهل از فداکاری در زندگی زناشویی چیست و افراد متأهل چگونه فداکاری را در ازدواج بلند مدت خود توصیف، معنا و درک و تفسیر می‌کنند و در نهایت ساختار فداکاری در تجربه‌ی مشارکت‌کنندگان پژوهش چیست؟ او با روش پدیدارشناسی توصیفی روان‌شناسانه به پاسخ به این سؤالات پرداخت و سرانجام به این نتیجه می‌رسد که با توجه به کیفی و پدیدارشناسی بودن پژوهش زیربنایی‌ترین بعد، معناهای ذهنی است که افراد برای پدیده‌ها قائل هستند. این معناها در فداکاری شامل معنای از خودگذشتگی و

فرارفتن از خود به سمت دیگری و گذشتن از میل خود به خاطر دیگری است. این معنایی که شرکت‌کنندگان برای دیگری قائل هستند، به عنوان زیربنایی‌ترین بعد، ابعاد دیگر فداکاری را می‌سازد. شرکت‌کنندگان با داشتن این معنا از فداکاری به صورت متقابل در برابر هم فداکاری کرده‌اند و رفتار فداکاری را مورد قدردانی قرار داده‌اند و در برابر آن اشاره کرده‌اند که اگر این رفتارها مورد قدردانی قرار نگیرد و به صورت یک‌سویه باشد، امری آسیب‌زا و موجب احساسات منفی می‌شود.

علاوه بر رویکردهای ذکر شده، برخی از پژوهش‌ها به مسائل و چالش‌های تازه‌تر از ازدواج پرداختند. خلج آبادی فراهانی و شجاعی (2013) در پژوهششان به نگرش دانشجویان دانشگاه‌های تهران نسبت به تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج در رضایت زناشویی توجه دارند. این مطالعه نشان می‌دهد که اگرچه بیش از نیمی از ازدواج‌ها در بین دانشجویان، به سبک ازدواج ترتیب داده شده یا سنتی است، ولی درصد زیادی (۲۱٪) به روش دوستی قبل از ازدواج، همسر آینده‌ی خود را انتخاب می‌کنند. هم‌چنین تجربه‌ی این رفتارها با نگرش مثبت به تأثیرات این روابط در رضایت زناشویی ارتباط دارد. به طوری که این بررسی نشان می‌دهد افرادی که تجربه‌ی معاشرت‌های دوستی و حتی پیشرفته‌ی قبل از ازدواج را دارند، در مقایسه با افرادی که این رابطه را ندارند، به طور معناداری نگرش مثبت‌تری نسبت به اثرات این معاشرت‌ها در ازدواج دارند. در حالی که همین مطالعه نشان می‌دهد که در عمل، صرف داشتن معاشرت با جنس مخالف اثرات نامطلوبی در رضایت زناشویی نداشته، بلکه داشتن ارتباطات متعدد و پیشرفته یا تماس جنسی، اثرات نامطلوبی در رضایت زناشویی و هم‌چنین بالا رفتن احتمال طلاق دارد. کریمیان و زارعی (2016) به بررسی کیفی وضعیت زندگی زنان دارای رابطه‌ی هم‌خانگی با جنس مخالف می‌پردازند. بر اساس تفسیرهای انجام گرفته در مورد داده‌های به دست آمده، چندین مقوله در زمینه‌ی کیفیت رابطه‌ی زنان هم‌خانه به دست می‌آید: رضایت نسبی از رابطه، تعهد متقابل ضعیف، کیفیت رابطه‌ی پایین، ترس از قضاوت خانواده و جامعه، آسیب‌های شخصی و رابطه‌ی معامله‌گونه.

قابل توجه این است که پژوهش‌گران در کتابی به بخشی برخورد کرده است که به گفتمان ازدواج اشاره‌ای داشته است. احمدی در کتاب بازتحلیل چالش‌های خانواده، در زمینه‌ی تنگنا و تأخیر ازدواج در ایران/ شورای عالی انقلاب فرهنگی (2011) به سراغ موضوع تأخیر ازدواج در ایران می‌رود. این تحقیق با مدد تجربه‌ی مستقیم و غیرمستقیم صورت گرفته است. در تجربه‌ی غیرمستقیم به اسناد و مدارک مرتبط، سن ازدواج اعم از اطلاعات جمعیت‌شناختی، گزارش‌های تحقیقی، پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و احیاناً دکتری پرداخته و در تجربه‌ی

مستقیم، به منظور از بین بردن خلأهای اطلاعاتی و کاستی‌ها در اطلاعات موجود، با مراجعه‌ی مستقیم به دختران و پسران جوان، که به نحوی با موضوع تنگنای ازدواج و تأخیر در ازدواج مرتبط هستند، امکان تحلیل خرد پدیده را ممکن ساخته است. این اثر در صفحات پایانی، جدولی از ویژگی‌های ازدواج سنی و مدرن به مثابه‌ی دو گفتمان در حوزه‌ی ازدواج را مطرح و مراحل مختلف ازدواج در جامعه‌ی سنتی و مدرن را با هم مقایسه کرد. ویژگی‌های ازدواج سنتی را این‌گونه برمی‌شمارد: به مصلحت جمع، منطبق بر سنت‌ها، جمع‌گرا، دیگرخواهانه، پایدار و قوی، پدرسالارانه، تسلط مردانه، فرزندجو و فرزندپرور، مبتنی بر محبت، تحت کنترل جامعه، کشش فرهنگی، سرکوب عشق، داشتن پیوند عمیق را ممکن می‌کند، نیاز جنسی طبیعی، وابسته‌کننده، ارزش‌مدارانه و از طرف دیگر ویژگی‌های ازدواج مدرن را به این‌صورت نام می‌برد: به مصلحت فرد، منطبق بر خواست فردی، خودخواهانه، ناپایدار و سست، مساوات‌گرایانه، تسلط نه مردانه و نه زنانه، اغلب داشتن فرزند هدف نیست، مبتنی بر لذت، دخالت اندک جامعه، کشش طبیعی، عشق جویانه، داشتن پیوند عمیق را غیرممکن می‌داند، نیاز جنسی اروتیک و شهوانی، ناتوان در ایجاد وابستگی، خردمندانه.

این تنها اثری بوده است که تحلیل گفتمان ازدواج در آن مشاهده شده است. (ممکن است بیش از این یک اثر باشند، اما با جستجوی زیاد نویسندگان بیش از این یک مورد نیافتند.)

چارچوب نظری، روش‌شناسی، جامعه و نمونه آماری

کتاب‌ها از اسناد مهم یک فرهنگ به حساب می‌آیند که می‌توانند بخشی از نمای جامعه و اندیشه‌ی رایج زمانه‌ی خودشان را به تصویر بکشند، بنابراین نویسندگان وظیفه‌ی مهمی در این حیطه دارند؛ چرا که آن‌ها علاوه بر این که متأثر از شرایط جامعه‌ی خویش هستند، در شکل دادن اندیشه‌ها نیز نقش دارند. کتاب‌هایی که در دوره‌ی قبل از انقلاب با موضوع ازدواج ثبت شده‌اند محدود هستند، اما از اسناد دست‌اولی به حساب می‌آیند که می‌توانند برای پژوهش مورد بررسی قرار گیرند و از آن‌جایی که تحلیل گفتمان بر داده‌های دست‌اول تأکید دارد (Ghajari & Nazari, 2014: 125) روشی مناسب برای این پژوهش است. تحلیل گفتمان اگرچه بیشتر در درون رشته‌ی زبان‌شناختی قرار دارد، اما در واقع در زمینه‌های بین رشته‌ای هم کاربرد دارد (Bathia Et al, 2008). در این پژوهش رویکرد تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه مورد نظر قرار گرفته است که به عنوان چارچوب نظری بسط داده می‌شود.

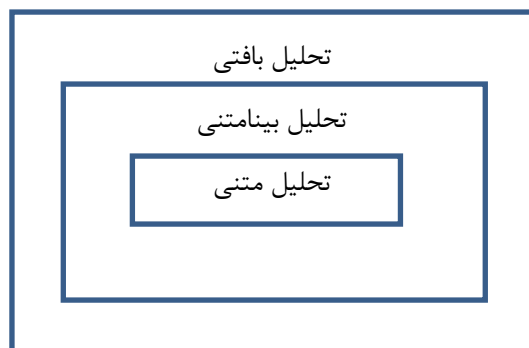
لاکلاو و موفه از پساساختارگرایانی هستند که در رد ذات‌گرایی به چندگانگی معنا باور داشتند و معتقد بودند یک گفتمان هیچ‌گاه آن‌قدر قدرتمند نمی‌شود که به تنها گفتمان موجود تبدیل شود (Soltani, 2006). لاکلاو و موفه در قالب یک نظریه‌ی پساساختارگرا معتقدند که: تحلیل گفتمان قصد دارد نشان دهد که از طریق کدام فرایند تلاش می‌کنیم تا معنای نشانه‌ها را تثبیت کنیم، و کدام فرایند موجب می‌شود که برخی از موارد تثبیت معنا به چنان امر معمولی بدل شوند که آن‌ها را پدیده‌های طبیعی به شمار می‌آوریم (Jorgensen & Phillips, 2011). به اعتقاد آن‌ها گفتمان تنها در زبان شکل نمی‌گیرد، بلکه آن‌ها به عامل مهم دیگری یعنی اجتماع نیز باور دارند. سلطانی دیدگاه آن‌ها به نقل از یورگنسن و فیلیپس این‌گونه بیان می‌کند که:

مفهوم گفتمان از نظر لاکلاو و موفه نه تنها زبان، بلکه کل حوزه‌ی اجتماع را در بر می‌گیرد. همان‌طور که یک نشانه وقتی در یک گفتمان مفصل‌بندی شد، چنین به نظر می‌رسد که گویی معنای آن ثابت و غیر مبهم است. در حوزه‌ی اجتماع نیز ما طوری عمل می‌کنیم که گویی واقعیت اطراف ما ساختی غیر مبهم و ثابت دارد. گویی که جامعه، گروه‌ها و هویت ما واقعیتی عینی‌اند. اما همان‌گونه که نشانه‌ها و ساختار زبان ثابت نیست، پدیده‌های اجتماعی نیز انعطاف پذیر و قابل تغییرند» (Soltani, 2006).

نظریه‌ی اجتماعی لاکلاو و موفه بر آن است که عینیت از طریق تولید گفتمانی معنا برساخته می‌شود. موضوع اصلی تحلیل اجتماعی همین فرایند برساختن است و روش‌شناسی گفتمانی و اساسی فرایند برساختن، عینیت‌یافتگی‌ها و غیریت‌سازی گفتمان‌هاست (Khalegh panah & Habibi, 2014). آن دو برای توصیف هر گفتمان از مفاهیم خاصی استفاده می‌کنند. براساس نظریه‌ی لاکلاو و موفه:

گفتمان مجموعه‌ای از دال‌ها است که حول یک یا چند نقطه‌ی کانونی، دال برتر یا دال تهی مفصل‌بندی می‌شود. عمل مفصل‌بندی باعث می‌شود که به دال‌ها و سوژه‌ها معانی، هویت‌ها و موقعیت‌های خاصی تخصیص داده شود. تخصیص موقعیت، معنا و هویت خاصی باعث طرد سایر معانی، هویت‌ها و موقعیت‌ها می‌شود. این معانی، موقعیت‌ها و هویت‌های طردشده وارد قلمروی گفتمانیت می‌شوند و به‌عنوان رقیب مفصل‌بندی حاضر امکان دارد زمانی به مفصل‌بندی غالب تبدیل شوند. به نظر لاکلاو و موفه در تضاد و مجادله‌ی بین گفتمان‌ها، همیشه دال‌هایی وجود دارد که بر سر معنای آن‌ها مجادله وجود دارد که در نزد آن‌ها این دال‌ها دال‌های شناور نامیده می‌شوند (Ghajari & Nazari, 2014).

براساس رویکرد لاکلاو و موفه، سلطانی مدلی با عنوان مراحل سه گانه‌ی نشانه‌شناسی گفتمانی طراحی کرده است که مدل این پژوهش نیز قرار خواهد گرفت؛ این مدل از سه لایه تشکیل شده است. در لایه‌ی اول که تحلیل متنی است، هر اثری با توجه به عناصر موجود در رویکرد لاکلاو و موفه (دال‌ها و مدلول‌ها و ...) مورد واکاوی قرار می‌گیرد و مفاهیم مربوط به ازدواج شناخته می‌شود. در لایه‌ی بعدی، یعنی بینامتنی، ارتباط اثر تحلیل شده با اثر دیگر که به همین صورت تحلیل شدند، به بررسی گذاشته می‌شود و سعی می‌شود غیریت و ضدیت (بیان شده در رویکرد لاکلاو و موفه) در بین آثار بارز شود. در تحلیل بافتی، اثر مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر آثار تحلیل شده مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این که مسائل و رویکردهای سیاسی در آن زمان چگونه بر شکل‌گیری اندیشه‌ی نویسنده در مورد ازدواج مؤثر بوده است، در این لایه مورد توجه قرار می‌گیرد.



مراحل سه گانه‌ی نشانه‌شناسی گفتمانی (Soltani, 2015)

جامعه آماری پژوهش تمامی کتاب‌هایی بوده است که قبل از انقلاب نگارش شده بودند و با کلید واژه‌ی ازدواج در سایت کتابخانه‌ی ملی ثبت شده‌اند که تعداد کل آن‌ها ۲۰ کتاب بوده است و به کمک نمونه‌گیری مبتنی بر هدف که یکی از نمونه‌گیری‌های مهم در روش تحقیق کیفی است (Ghajari & Nazari, 2014). چهار کتاب ازدواج در اسلام، تشکیل خانواده در اسلام، روان‌شناسی ازدواج و ازدواج در آستانه‌ی علم براساس نویسنده‌ی آن‌ها و همچنین عنوان آن‌ها که خود می‌توانست بیانگر گفتمانی باشند انتخاب شدند.

یافته‌های پژوهش

مرحله‌ی اول: تحلیل متنی

دال عبارت از کلمات یا عباراتی است که یک اندیشه یا ایده‌ی مقبول را منعکس می‌کند و مدلول نشان‌دهنده‌ی مفهومی است که در ذهن نویسنده است و دال بر آن دلالت می‌کند. در این مرحله، هر کتاب را به عنوان دال مرکزی در نظر می‌گیریم سپس به دنبال دال‌های ارزشی می‌گردیم تا آن دال مرکزی را تعریف کنند، به چنین دال‌هایی که هدفشان تعریف دال مرکزی است، دال ارزشی گفته می‌شود که در این جا شامل عبارات و جملاتی است که عیناً از خود کتاب گرفته می‌شود.

تحلیل چهار کتاب ازدواج در اسلام و تشکیل خانواده در اسلام و ازدواج در آستانه‌ی علم و روان‌شناسی ازدواج

براساس آنچه که در بخش روش توضیح داده شد، تأکید لاکلاو و موفه بر دال و مدلول‌های متن است؛ آنچه که در ذهن نویسنده قرار دارد و براساس جملات سعی می‌کند آن را منتقل سازد. طبق اثر تلاش شده است تا ابتدا بحث‌هایی که نویسنده در کتاب خود مطرح کرده است، به صورت ابعاد دسته‌بندی شود تا بهتر بتوان دال و مدلول‌ها را مشخص کرد.

جدول ۱- دال و مدلول‌های کتاب ازدواج در اسلام قدسیه حجازی^۱

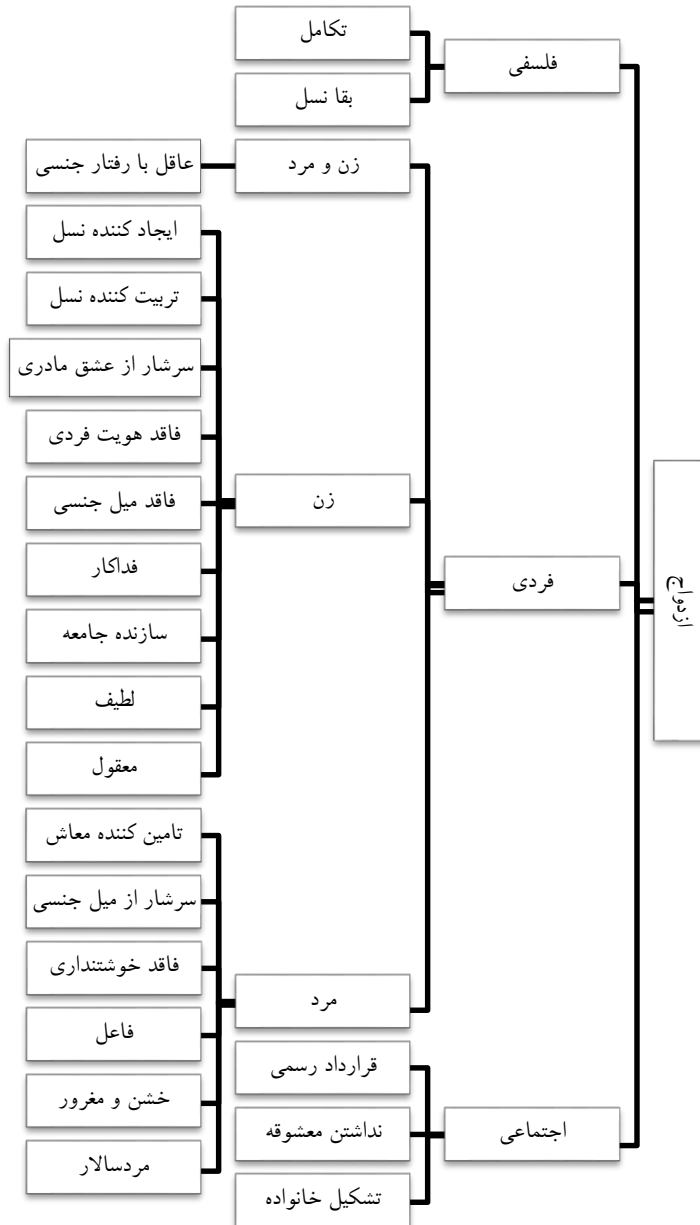
ویژگی‌های مهم ازدواج

مدلول	دال ارزشی	بعد
تکامل	در عالم انسانیت تجمع نر و ماده با رعایت قانون خاص ازدواج نامیده می‌شود برای آنکه ضمن تکثیر نوع تکامل نوع هم انجام پذیرد.	فلسفی
بقا نسل	در عالم انسانیت تجمع ... برای آن که ضمن تکثیر نوع ... انجام پذیرد. ازدواج که علت تولید مثل ... است. منظور غریزه جنسی ... تولید است.	
عاقل با رفتار جنسی	در افراد عاقل غریزه‌ی جنسی تحت سلطه‌ی عقل و اراده قرار دارد ... به صورت ازدواج ... انجام گیرد.	مرد و زن
ایجاد کننده نسل	چه اگر زن قرار بود علاوه بر ایجاد نسل مسئولیت‌های دیگری را بر عهده داشته باشد.	زن

۱ تمامی عبارات و جمله‌ها تحت عنوان دال‌ها عیناً از خود کتاب‌ها گرفته شده است.

تربیت کننده نسل	تأمین معاش زن و اولاد و... را به عهده‌ی مرد گذاشته است ... تا {زن} بتواند... نسل را سالم‌تر کامل‌تر تحویل جامعه دهد. هدف مادر منحصراً در سعادت و تربیت اولادش باشد. مردان در موقع انتخاب همسر چیزی را که در نظر نمی‌گیرند، صلاحیت او برای تربیت و... است.	
سرشار از عشق مادری	در زن، طبیعت شاهکار خودش را به کار برده و غریزه‌ی جنسی را به صورت حب مادری... در واقع غریزه‌ی جنسی در زن... به صورت حب و عشق مادری ظاهر شده است تا بتوانند مورد انتخاب قرار گیرند ... تا مقدمات مادر شدن فراهم گردد.	
فاقد هویت فردی	مادر خوب مادری‌ست که ... از گردش و خوش گذرانی به خاطر فرزندان ... صرف نظر کند معمولاً زنانی که دنبال سعادت و سفید بختی خود می‌روند، مادران خوبی نیستند...	
فاقد میل جنسی	درواقع غریزه‌ی جنسی در زن ... اصلاً وجود ندارد. محرومیت از ارتباط جنسی برای زن ناراحت کننده نیست...	
فداکار	زن، یعنی یک مادر، حاضر نیست که یک انگشت بچه‌ی خود را با سلطنت جهان معاوضه کند و همه چیز خودش را برای حفظ او فدا می‌کند.	
سازنده جامعه	زن سازنده‌ی افراد اجتماع و مرکز ثقل خانواده‌ها...	
لطیف	زن رقیق است و لطیف... شفقت و محبت و پایداری صفاتی هستند که به طور ... ذاتی در زن وجود دارد...	
مفعول	حفظ عفت در مرد نیروی بیشتری لازم دارد تا در زن چه مرد فاعل است... دستگاه تناسلی زن تحت اراده و میل او نیست، یعنی در حال سکون است...	
تأمین کننده معاش	تأمین معاش زن و اولاد ... را به عهده‌ی مرد گذاشته است...	مرد
سرشار از میل	در مردان غریزه‌ی جنسی در حال غلیان و ... است و قدرت مقاومت ... را از دست مرد بیرون می‌برد...	

جنسی			
فاعل	چه مرد فاعل است و همیشه تحریک بفعل ... مرد را به اجبار نمی توان وادار به ارتباط جنسی نمود.		
خشن و مغرور	مردان را لطیف نمی خوانند، بلکه خشن می خوانند... زن عاقل نباید از شوهرش مهر و لطف بخواهد...		
مردسالار	چون انتخاب همسر در دست مردان است، لذا زنان باید سعی کنند تا خواست مرد ... را دریابند...		
قرارداد رسمی و نداشتن معشوقه	ازدواج یعنی همسر گرفتن ... قرارداد رسمی برای برقرار کردن ارتباط جنسی بین یک زن و مرد به طور مشروع و قانونی	اجتماعی	
تشکیل خانواده	ازدواج که هسته‌ی ... خانواده است ... خانواده عنصر اولیه‌ی اجتماع می باشد...		



نمودار شماره ۱- مفهوم‌سازی ازدواج در کتاب ازدواج در اسلام

از دال‌هایی که در جدول بالا از کتاب ازدواج در اسلام حجازی به دست آمده است می‌توان چنین نتیجه گرفت که او تأکید بسیار زیادی بر روی طبیعت و ذات و تکامل در ازدواج دارد و ازدواج را وسیله‌ای برای بقای نسل می‌داند؛ این‌گونه به نظر می‌رسد که وی کلیتی برای تداوم بشر در ازدواج می‌بیند و بیش از آن که به سعادت فردی معتقد باشد به سعادت نسل بشر معتقد است. نطفه‌ی پاک را در این امر بسیار مهم می‌داند؛ چرا که نطفه‌ی ناپاک خارج شدن از قانون طبیعت است. حجازی معتقد است میل جنسی صرفاً برای رسیدن به تکامل انسانی در قانون طبیعت قرار گرفته است.

او ازدواج را قرارداد رسمی برای رابطه‌ی جنسی و هدفمند کردن آن می‌داند و عمدتاً نگاهی غیرجنسی دارد. حجازی اعتباری برای لذت بردن از رابطه‌ی جنسی حتی در اندازه‌ای که در اسلام که به عنوان ملاحظه و بازی با همسر و لذت جنسی یاد می‌شود قائل نیست. او شهوت را تنها برای مردان می‌داند و با نگاهی طبیعت‌گرایانه معتقد است که مرد سرشار از میل جنسی است و مرد در یک رابطه‌ی جنسی فاعل آن رابطه است. حجازی تا آن‌جا پیش می‌رود که مرد را فاقد مهر و محبت می‌داند و اعتقاد دارد زن نباید از شوهرش چنین چیزی بخواهد.

این در حالی است که زن را فاقد هرگونه میل و شهوت می‌داند و خودداری و خویشنداری برای زن آسان‌تر از مرد است. در واقع غریزه‌ی جنسی در او به شکل غریزه‌ی مادری درآمده است. حجازی به شکل اغراق‌آمیزی برای مهر مادری ارج و قرب قائل است. در واقع زن مطلوب از نظر وی مادری است که به دنبال سعادت خود نمی‌رود و برای سعادت و هویت فردی خویش اعتباری قائل نیست. برای حجازی تکامل و سعادت بشر به صورت عام مهم است و به سعادت فردی اعتقادی ندارد و ازدواج و تشکیل خانواده هم وسیله‌ای است برای ترقی و پیشرفت یک جامعه.



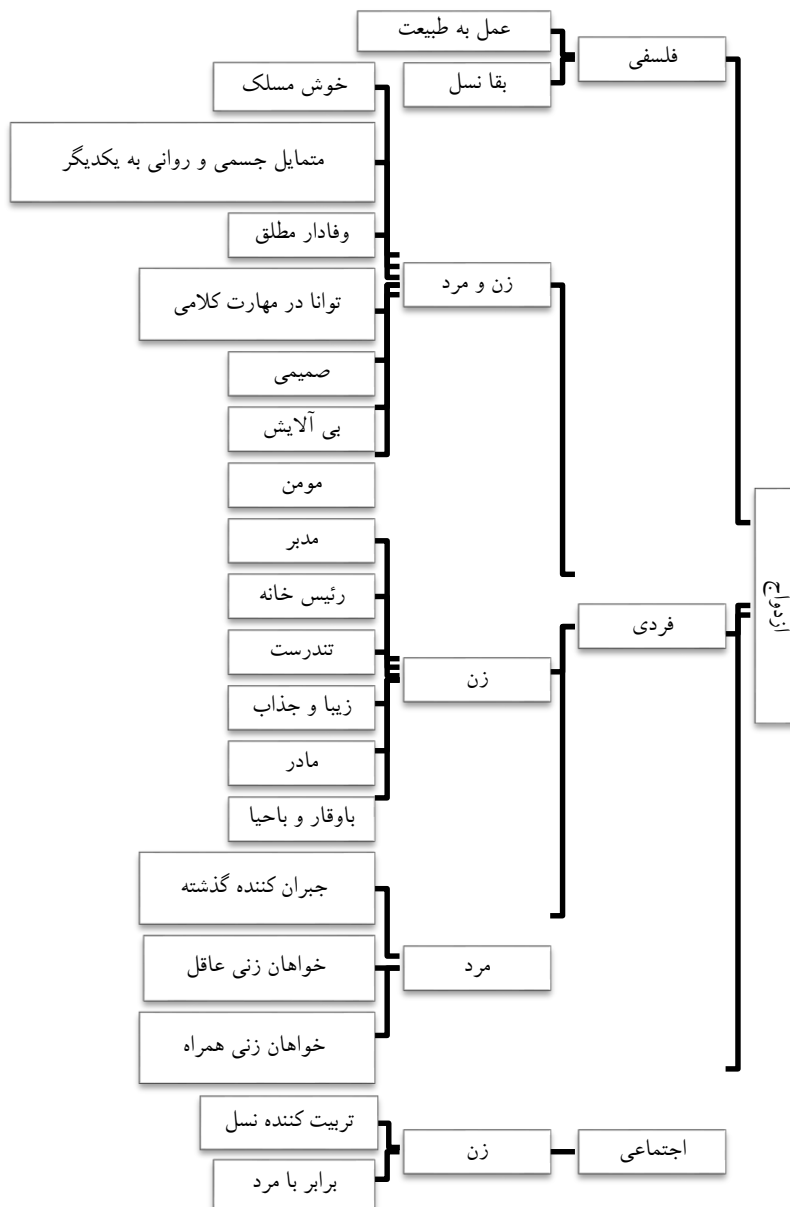
نمودار شماره ۲- مفهوم‌سازی ازدواج در کتاب تشکیل خانواده در اسلام

قائمی نیز با نگاهی دینی و اسلامی در اثرش به ازدواج پرداخته است؛ قائمی ازدواج را سنت اسلام می‌داند و آن را وسیله‌ای برای حفاظت از خانواده و جامعه‌ی هدفمند تلقی می‌کند. وی بقا نسل را یکی از اهداف مهم ازدواج می‌داند و البته به عشق و محبت بین زن و مرد اعتقاد داد و آن را خواست خدا می‌داند تا از این طریق زن و مرد به یکدیگر نزدیک شوند تا نسل بشر ادامه یابد.

حجازی حتی در بعد فردی هم دال‌هایی که در مورد ازدواج بیان داشت در راستای همان تولید نسل و بقای بشر بود. در صورتی‌که آدمی تاحدودی در ازدواج برای خود فرد نیز انسانیت قائل است؛ یعنی فرد با ازدواج به خوشبختی می‌رسد و آرامش کسب می‌کند و از تنهایی بیرون می‌آید و هیجان‌ها و شهوات جوانی کنترل و باعث بروز و شکوفایی استعدادها می‌شود. قائمی هم - چون حجازی اعتقاد دارد که مرد سرشار از میل جنسی است و در خویشتن‌داری ضعیف عمل می‌کند؛ این در حالی است که زن برعکس مرد است.

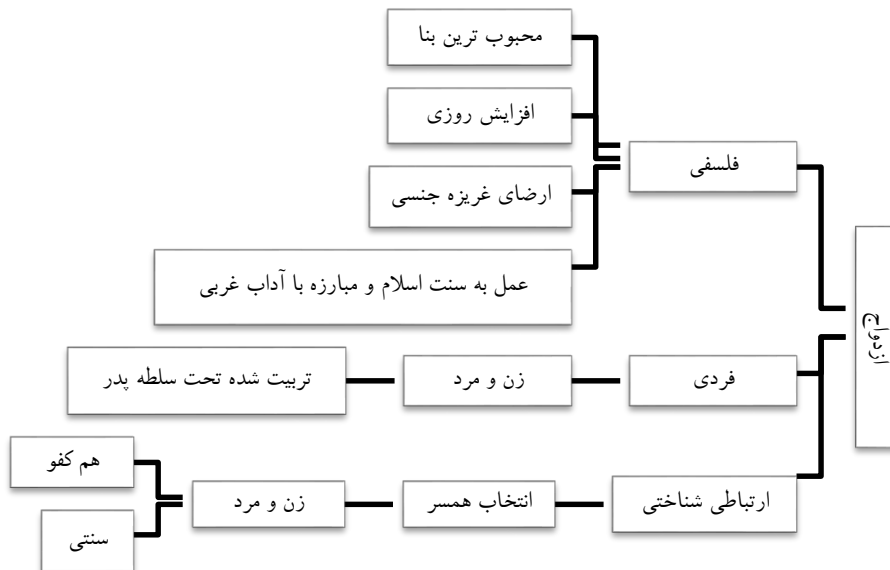
از لحاظ دینی ازدواج را مایه‌ی حفظ پاک‌دامنی و تکمیل ایمان و انجام وظیفه‌ی الهی می‌داند. بعد مهم دیگری که قائمی به آن می‌پردازد، شناختی است که به دو بخش انتخاب همسر و همسررداری تقسیم می‌شود که در انتخاب همسر دال‌های بیان‌کننده‌اش گویای تفکری دینی و ذات‌گرایانه است؛ او برای انتخاب همسر، اصالت خانواده، ایمان و تقوا، هم‌شأنی، رشد و آگاهی و تناسب سن و جسم را مهم قلمداد می‌کند. و در همسررداری نیز همسررداری سنتی و مذهبی را مد نظر دارد و در زن‌داری از دال‌هایی چون بیان ابراز و عشق، حمایت از همسر، ایجاد زمینه‌ی دلگرمی و... را بسط می‌دهد و در مقابل نیز زن مطلوب زنی است در قالب سنت و مذهب باید فرمانبرداری از شوهر کند و برای او خود را بیاراید و حتی در صورت عدم آمادگی با او آمیزش جنسی داشته باشد و صبور باشد و رنج خویش را به او نشان ندهد.

در مقابل این دو کتاب، دو کتاب دیگر انتخاب شدند تا به مقایسه‌ی با این دو کتاب مطرح‌شده قرار گیرند؛ چرا که دست‌کم در عنوان ظاهرا با گفتمانی متفاوت روبه‌رو هستیم؛ ازدواج در آستانه علم و روان‌شناسی ازدواج. با توجه به این‌که آن دو کتاب تحلیل‌شده مبنایی دینی و اسلامی داشتند، به گفتمانی نیاز است تا در تقابل با این نوع گفتمان قرار گیرد. دو کتاب ازدواج در آستانه علم و روان‌شناسی ازدواج با توجه به عنوان باید از جایگاهی متفاوت از دین ازدواج را تحلیل کنند، حال باید دید آیا واقعا این‌گونه است؟



نمودار شماری ۳- مفهوم سازی ازدواج در کتاب ازدواج در آستانه‌ی علم

عبارت در آستانه‌ی علم این امر را در ذهن الغا می‌کند که نویسنده قصد دارد با نگاهی علمی (علم غربی که اکنون از آن بهره می‌بریم مانند روان‌شناسی یا جامعه‌شناسی) به سراغ ازدواج برود، با تحلیل کتاب، نگارنده به دال‌ها و مدلول‌های بالا رسیده است؛ یعنی از لحاظ فلسفی مدلول‌های ذات‌گرایی و بقای نسل برای نویسنده‌ی کتاب مهم بوده است و در ابعاد اجتماعی و فردی، زن مطلوب در جایگاه تربیت‌کننده‌ی نسل، مدیر، رئیس خانه، مادر، لطیف و غیره قرار می‌گیرد. در واقع، گفتمان همان گفتمان دینی و سنتی است در حالی که نویسنده‌ی کتاب در بخش‌هایی به مرد تذکراتی می‌دهد که با دال‌هایی که در مورد زن گفته شده است، هم‌خوانی ندارد. نویسنده از مرد می‌خواهد که گذشته را جبران کند و از ظلم به زن پرهیز کند و به دنبال زنی باشد که عاقل و آگاه باشد؛ این توصیه‌ها که بیشتر در قالب گفتمان مدرن قرار می‌گیرند؛ با مدلول‌های قبل از آن که زن را زیبا و لطیف و باوقار توصیف می‌کرد، هم‌خوانی چندانی ندارد.



نمودار شماره ۴- مفهوم‌سازی ازدواج در کتاب روان‌شناسی ازدواج

این کتاب قدیمی‌ترین کتابی است که به نام روان‌شناسی ازدواج در سایت کتابخانه‌ی ملی ثبت شده است. برخلاف عنوان کتاب، نویسنده به روان‌شناسی غربی طعنه می‌زند و معتقد است اگرچه کتابش دستاورد امثال کسانی مانند ویلیام جیمز و یانگ و غیره نیست، اما تجربه‌ی چند سال زندگی با حساسیتش و عشق به روان‌شناسی است (Nasari, 1978). نویسنده طبق گفته‌ی خود

سعی دارد تا با نگاهی روان‌شناسانه به ازدواج نگاه کند؛ اما از دال‌ها و مدلول‌های کتاب این‌گونه برمی‌آید که علم روان‌شناسی در این کتاب نه تنها نادیده گرفته شده، بلکه بی‌اهمیت هم شده است. نویسنده نقش تربیت را بسیار در زندگی فرد سرنوشت‌ساز می‌داند و معتقد است، تربیت درست و دینی و اسلامی در خانواده‌ای که به فرزند مهر و محبت می‌کنند، به نوعی در حال ساختن شخصیت فرزند هستند، شخصیتی که فاقد عقده و حقارت است و چنین فردی است که می‌تواند زندگی زناشویی موفق داشته باشد؛ البته نویسنده نقش پدر را بسیار پررنگ‌تر از نقش مادر می‌داند و می‌توان پدرسالاری حاکم بر دال‌ها را به خوبی مشاهده کرد. زن مطلوب نیز از نظر او، زنی است که حجابش را رعایت کند، درست تربیت شده باشد و برای شناخت بیشتر او باید شخصیت مادر او را هم در نظر گرفت.

این کتاب بیشتر از این‌که کتابی روان‌شناختی باشد، رنج‌نامه است که در آن نویسنده از ناکامی‌های دوران کودکی خود می‌نویسد و نه از استدلال‌های علمی و روان‌شناختی خبری است و نه از استدلال‌های دینی.

گفتمان دینی و گفتمان عمومی

دو کتاب ازدواج در اسلام و تشکیل خانواده در اسلام با این هدف در مقابل دو کتاب ازدواج در آستانه‌ی علم و روان‌شناسی ازدواج قرار گرفت که غیریت گفتمانی آن‌ها نشان داده شود. حال با نگاهی دوباره به چهار جدول ترسیم شده، این سؤال مطرح می‌شود که آیا غیریت گفتمانی شکل گرفته است؟ نه در کتاب ازدواج در آستانه‌ی علم، نویسنده تعریفی از علم داده است و نه در روان‌شناسی ازدواج تعریف درستی از روان‌شناسی شده است و تنها نویسنده ابراز می‌دارد که «مطالعه‌ی غیردرسیم بسیار جزئی است، آنچه دارم از تفکر است و ۱۰ سال زیر و رو کردن مطبوعات به‌خصوص روزنامه‌ی کیهان و نگهداری بریده‌های مطبوعات برای امروز و برای تمام کردن کتاب‌هایم» (Naseri, 1978). نویسنده براساس تجربیات و مطالعه‌ی فردی خویش به نگارش کتاب پرداخته است و آن را روان‌شناسی نامیده است. در یک گفتمان کلان هر چهار کتاب در گفتمانی مشابه قرار می‌گیرند؛ گفتمان دینی و سنتی. هرچند در دو کتاب ازدواج در آستانه‌ی علم و روان‌شناسی ازدواج در تلاش بودند تا گفتمانی متفاوت از گفتمان سنتی و دینی ایجاد کنند؛ اما هر کدام ازدواجی را مدنظر داشتند که در سایه‌ی دین قرار گیرد. در خرده گفتمان می‌توان تفاوتی یافت که در ازدواج در آستانه‌ی علم توضیحاتی در مورد هم‌سنگ بودن زن و مرد و دوشادوش بودن مرد و زن می‌دهد و در روان‌شناسی ازدواج نیز نویسنده تلاش دارد تا به بعد تربیت فرزند و تأثیر آن در آینده‌ی او بپردازد.

مرحله دوم

تحلیل بینامتنی

در این مرحله باید دید که این آثار با آثار دیگر در زمانه‌ی خود چه ارتباطی دارند؛ چرا که فرکلاف معتقد است بینامتنیت حضور عناصر واقعی دیگر متن‌ها درون یک متن است (Fairclough, 2003). در این راستا دو کتاب دیگر در نظر گرفته شده است که در مورد ازدواج بحث کرده‌اند. یکی از آن‌ها کتاب نظام حقوق زن در اسلام نوشته‌ی آیت‌الله مرتضی مطهری و دیگر همسرداری آیت‌الله ابراهیم امینی است. مرتضی مطهری در نگرش طبیعت‌گرایانه‌اش به قدسیه حجازی نزدیک می‌شود. در نظر مطهری دستگاه خلقت برای رسیدن به هدف خود تولید نسل را به وجود آورده است. در واقع طبیعت مدام جنس نر و ماده را به وجود می‌آورد تا با همکاری هم بقا حاصل شود. مطهری با لطافت بیشتری این طبیعت‌گرایی را بیان می‌کند و مانند حجازی اعتقاد ندارد که نباید از مردان انتظار مهر و محبت داشت. «آفرینش، مرد را مظهر طلب و عشق و تقاضا و زن را مظهر محبوبیت و معشوقیت قرار داده است. احساسات مرد نیازآمیز و احساسات زن نازخیز است. احساسات مرد طلبانه و احساسات زن مطلوبانه است.» (Motahari, 2013). البته مطهری براساس آیه‌ی قرآنی به چیزی بیشتر از شهوت بین زن و مرد اعتقاد دارد و آن «مودت و رحمت» است (Motahari, 2013). و از آن جایی که مرد طالب است و زن مطلوب، به همین دلیل رسم خواستگاری امری برای حفظ شخصیت زن است. در واقع، مطهری نیز مانند حجازی و قائمی به فاعلیت مرد و مفعول بودن زن اعتقاد دارد؛ هرچند این خواستن مرد را حفظ شأنیت زن می‌داند. مطهری اذعان دارد که فطرت زن و مرد را با استعدادهای نامتشابهی خلق کرده است و مهر یکی از نشانه‌های این عدم تشابه است. «قانون مهر هماهنگی با طبیعت است از این رو که نشانه و زمینه‌ی آن است که عشق از ناحیه‌ی مرد آغاز شده و زن پاسخگوی عشق اوست و مرد به احترام او هدیه ای نثار او می‌کند» (Motahari, 2013).

در کل، علی‌رغم برخی از نگرش‌هایی جزئی که در گفتمان مطهری با حجازی و قائمی داشته است، ولی می‌توان گفت که آن‌ها در یک محدوده‌ی گفتمانی قرار دارند، مذهب و طبیعت و فطرت دال‌های تعیین‌کننده‌ی گفتمان اثر آن‌هاست. با این تفاوت که مطهری فردی روحانی بوده، سعی کرده است با دلیل و برهان و با تبیین آیاتی که در حیطه‌ی زن و مرد و زناشوئی بوده است، به موضوع بپردازد. او اصل عدل را همان اصلی می‌داند که قانون تطابق عقل و شرع را در اسلام آورده است (Motahari, 2013). مطهری آیات قرآن را عینا همان‌گونه‌ای که هستند، قبول دارد و قصدی برای تفسیری متفاوت از ظاهر قرآن ندارد. او معتقد است:

آنچه از نظر اسلام مطرح است این است که زن و مرد به دلیل اینکه یکی زن است و دیگری مرد، در جهات زیادی مشابه یکدیگر نیستند، جهان برای آنها یکجور نیست... همین جهت ایجاب می‌کند که از لحاظ بسیاری از حقوق و تکالیف و مجازات‌ها وضع مشابهی نداشته باشند. در دنیای غرب... تفاوت‌های غربی زن و مرد را نادیده بگیرند (Motahari, 2013. 124).

«به عقیده‌ی مطهری، دستگاه خلقت هر نوعی از انواع موجودات را بر پایه‌ی اصل عدل، در مداری مخصوص به خود او قرار داده است و سعادت او در آن است که در مدار طبیعی خودش حرکت کند» (Pezeshgi, 2011). لک‌زایی فلسفه مساوات مطهری را این‌گونه بیان می‌کند:

مساواتی که شهید مطهری به عنوان یک ارزش از آن دفاع می‌کند، همواره ملازم و بلکه متحد با عدالت است. اگر مساوات به معنای نفی تبعیض‌های ناروا و به داعیه‌ی استحقاق‌های مساوی مطرح باشد، به عبارت دیگر از اصل عدالت ناشی شده باشد، این قابل قبول و یک ارزش است، اما اگر مساوات نافی تفاوت‌های معقول و قابل قبول باشد، ... یعنی در شرایط وجود استحقاق‌های نامساوی مطرح شده باشد، در صورت مساوات ظلم و ضد ارزش است (Lakzaee, 2003).

اثر دیگری که مورد تحلیل قرار گرفت، همسررداری آیت‌الله ابراهیم امینی است. این کتاب صرفاً به بحث همسررداری پرداخته است؛ چرا که معتقد است، مهم‌ترین عامل ناسازگاری افراد، آشنا نبودن با وظایف زناشویی است و نکته‌ی جالبی که وجود دارد این است که حدود ۵ دهه‌ی قبل امینی بر این باور است که کاش کلاس‌هایی برای آمادگی ازدواج برای جوانان تشکیل می‌شد. این کتاب در مقایسه با سه کتابی که در پاراگراف قبل از آن‌ها صحبت شد، لحنی صمیمانه‌تر دارد و از ضمایر مخاطب استفاده می‌کند، به گونه‌ای که انگار مخاطب رو به روی وی قرار دارد. با وجود این که این کتاب توسط یک روحانی در قالب فرامین دین اسلام نوشته شده است، دارای ادبیاتی صمیمانه‌تر و روان‌کاوانه‌تر نسبت به کتاب روان‌شناسی است که ادبیاتی نامیدانه دارد. کتاب امینی بیش‌تر از آن که بخواهد مانند ازدواج در آستانه‌ی علم و روان‌شناسی ازدواج به غرب حمله کند، در چارچوب دین مرد و زن را با حالتی نصیحت‌وار به وظایف همسررداری خود آشنا می‌کند.

در مورد شیوه‌ی همسررداری این کتاب را باید بیشتر با اثر قائمی سنجدی؛ چرا که قائمی نیز در بخشی از اثرش به همسررداری پرداخته است. امینی کتاب خود را به صورتی ثبت کرده است که در بخشی به زن و در بخشی به مرد نکات همسررداری را یادآور شود. شناخت یکدیگر، فراگرفتن آیین همسررداری و مذاکره و تفاهم را از مسائل مهمی می‌داند که برای مرد و زن ضروری است و همین‌طور بر این در مورد شوهررداری دال‌هایی را در میان می‌گذارد که بیانگر سبک مذهبی است. امینی زن را ارشاد می‌کند که باید در شوهررداری مواظبت شوهر باشد و او را پرورش دهد. به مرد هم توصیه‌هایی دارد که به زن محبت کند و احترام گذارد مراقب زن باشد و پرورش دهنده‌ی او.

در واقع با بیان قائمی در همسرداری در یک راستا قرار می‌گیرد. امینی فراتر از بعد کلی و ازدواج که حجازی داشت به آن نگاه می‌کند و بیشتر نگرشی فردی و سعادت فردی را در آن می‌بیند و از آیات و روایات زیادی برای اثبات حرف خود سود می‌جوید (Amini, 2011).

مرحله سوم

تحلیل بافتی

با توجه به الگویی که در بخش روش مطرح شد، باید دید که این چهار اثر در چه زمانی و بافت اجتماعی نوشته شده‌اند، چرا که نزاع‌های گفتمانی بر روی شکل‌گیری مفاهیم فرهنگی مانند ازدواج تأثیرگذار هستند. این کتاب‌ها در دوره‌ی حکومت پهلوی دوم به چاپ رسیدند، دوره‌ی پهلوی دوم از دوران بسیار مهم تاریخ معاصر ایران است؛ چرا که تحولات عظیمی در آن اتفاق افتاد که منجر به تغییر نظام از پهلوی به جمهوری اسلامی شد. یکی از گفتمان‌های برجسته‌ی آن، دوران تحت تأثیر ارتباط ایران با غرب بوده است. در واقع، گفتمان پهلوی دوم سعی داشت تا حد امکان از گفتمان‌هایی با رویکرد مذهبی که مورد مذمت قرار می‌گرفتند، فاصله بگیرد و خود را متمایز از آن‌ها نشان دهد (Kosari Et al, 2017) و یکی از مصداق‌های مهم این غرب‌گرایی، توجه به مسأله‌ی زن با نگاهی متفاوت از نگاه سنتی به زن بود. کوثری و همکارانش تعریف گفتمان رسمی پهلوی دوم در نظم گفتمانی هویت زنانه را، بسیار متأثر از سه اپیستمه مهم هژمونیک‌شده-ی غرب در آن دوره‌ی زمانی جغرافیایی می‌دانند: «آزادی»، «عقلانیت» و «امروزی‌بودن» که همگی تحت معرفت نهادینه شده‌تری چون «مدرن‌بودن» قرار داشتند و به‌واسطه‌ی آن تعریف می‌شدند و معتقد هستند هریک از دال‌های گفتمانی در پیوندی انحصاری با «زن اجتماعی» قرار می‌گرفتند (Kosari Et al, 2017). این دال‌های گفتمانی در مواد انقلاب سفید خود را بیشتر نمایان ساختند. سراج زاده و همکارانش براین باورند که از مهم‌ترین اجزای سناریوی انقلاب سفید، فراخواندن زنان به عرصه‌ی عمومی بود، عنصری که پیش از آن در نظام معنایی سنتی حاکم بر تنظیم مناسبات اجتماعی در جامعه‌ی ایران وجود نداشت. محمدرضا شاه در کتاب انقلاب سفید ادعان دارد که انقلاب ما با آزاد کردن زنان از زنجیرهای کهن و دادن امکان پیشرفت، وظیفه‌اش را نسبت به زن ایرانی انجام داد (Serajzade Et al, 2012). از دیگر دال‌های مرکزی که مورد توجه نظام پهلوی قرار داشت، تن‌نمایشگر زنانه بود که به‌نوعی از پیشرفت و ترقی و غربی‌شدن سخن می‌گفت (Serajzade Et al, 2012) و دال‌هایی چون پیشرفت، احقاق حق، مشارکت، توسعه و رهایی از عقب‌ماندگی را در خود می‌پروراند (Serajzade Et al, 2012). در کل گفتمان مدرن خواهان برابری بین زن و مرد بود (Ghavam & Asadi, 2015)

در چنین بستری، جریان‌ات فمینیستی پر و بال بیشتری گرفته بودند و در دوره‌ی سلسله‌ی پهلوی فصل جدیدی در تاریخ زنان ایران گشوده شده بود و غرب‌زدگی چهره‌ی خود را نمایان کرد (Eshaghi, 2007). فعالان جریان‌ات فمینیستی در دوره‌ی پهلوی به دنبال ایجاد انقلاب اجتماعی بودند (Shamsi & Nasiri, 2017). شمسی و نصیری معتقد هستند که:

مسائل مربوط به خانواده نیز از مهم‌ترین دیدگاه‌های جریان فمینیسم در دوره‌ی پهلوی دوم است. از دیدگاه جریان فمینیسم، قوانین ازدواج (تعدد زوجات، و ازدواج در سنین پایین)، طلاق (طلاق دل‌بخواه مرد) و روابط خانوادگی (حضان‌ت مرد، ریاست مرد، عدم جواز خروج زن از منزل بدون اجازه‌ی شوهر، محدودیت اشتغال زنان متأهل و...) برخلاف آموزه‌های آزادی زنان و برابری آنان با مردان و نیز از عوامل فرودستی زنان در اجتماع، به‌ویژه در خانواده است، که باید تغییر کند. در واقع، فمینیست‌ها در این دوره به دنبال برابری کامل زنان و مردان در تمامی حوزه‌ها، از جمله حوزه‌ی خانواده بودند (Shamsi & Nasiri, 2017).

در راستای این اهداف، کسانی مانند مهرانگیز منوچهریان برای اصلاح قوانین برابری تلاش فراوانی انجام می‌دادند. منوچهریان که اصلاح قوانین تبعیض‌آمیز در حوزه‌ی زنان دغدغه همیشگی‌اش بود بعد از ۳۰ سال که از انتشار کتاب انتقاد قوانینی اساسی و مدنی و کیفی ایران از نظر حقوق زن او می‌گذشت و ...، باز دست به نگارش زد و با بررسی کلی قوانین مربوط به زنان و هم‌چنین قانون حمایت از خانواده‌ی سال ۱۳۵۳، ساختار حقوقی ایران را به انتقاد گرفت... (Ahmadi Khorasani & Ardalan, 2004).

تبعاً گفتمان جدید مدرنیته شده در تقابل با بافت سنتی و دینی و روحانیت بوده که در کشور وجود داشته است، فرامرزی در کتاب دین در ایران عصر پهلوی دوم می‌نویسد: سازمان روحانیت در این زمان علاوه بر برخورداری از مکتب دینی، عامل انسجام آن بود از ترکیب مشخصی برخوردار بود (Faramarzi, 2013). او هم‌چنین می‌گوید از فعالیت‌های مختلف روحانیان در عصر پهلوی دوم و برگزاری انواع جلسات در محافل و موقعیت‌های مختلف یاد می‌کند مانند جلسه‌های هفتگی به منظور هم‌اندیشی، جلسه‌های محلی برای مشاوره، جلسه‌های آموزشی، جلسه‌های تبلیغی انجمن‌های دینی و غیره (Faramarzi, 2013). این فعالیت‌های گسترده، خود نشان از پویایی روحانیت در مقابل گفتمان تازه‌ی مدرنیته بود که در زمان پهلوی شدت بیشتری پیدا کرده بود. در تمامی این جلسه‌ها، محوریت گسترش اصول اسلامی و آشنایی عموم مردم با این اصول بود.

یکی از محوری‌ترین مفاهیم این دوران، فطرت بوده است که از ۱۳۲۰ به بعد به عرصه‌ی منازعات قلمی وارد شد و به تدریج به یکی از واژه‌های کلیدی شاخص تبدیل شد و به عنوان ابزاری

مفهومی برای «دفاع ازدین» تلقی می‌شد. (Molla Abasi & Hazeri, 2016) این مفهوم در مسأله-ی جنسیت و طبیعت زن و مرد بسیار مورد توجه قرار گرفت و حامیان خود را پیدا کرد. قوام و اسدی با مدلی که در مقاله‌ی خود طراحی کردند، نشان می‌دهند که این گفتمان تأکیدش بر دال مرکزی نابرابری ذاتی بین زن و مرد بوده است که این نابرابری در خود دال‌های شناوری مانند بدبینی به حضور اجتماعی زن، تأکید بر نقش طبیعی، نص‌گرایی را در خود جای می‌داد (Ghavam & Asadi, 2015) امام خمینی از جمله مراجع تقلیدی بود که صراحتاً با امتیازهایی که شاه به زنان می‌داد تا هرچه بیشتر ایران به سوی مدرنیته شدن سوق دهد، مخالفت نشان می‌داد. دال مرکزی امام خمینی «حفظ عفت و دینداری» بوده است و تمامی دال‌های دیگر، حول این دال قرار داشتند (Kosari Et al, 2017). او با حضور زن در جامعه مخالفتی نداشت، به شرط آن‌که با پوشیدگی همراه باشد و با جذابیت زنانه‌ای که در گفتمان مدرن مورد توجه بود، سر سازش نداشت و در گفتمان وی، فعالیت اجتماعی زن باید به گونه‌ای می‌بود که باعث اختلال غیرمحرمانه با هم نشود. زنان می‌توانند مشارکت سیاسی داشته باشند و رأی دهند؛ باز هم به همان شرط حفظ عفاف. هم‌چنین بر خانواده و اهمیت زن در خانواده در این گفتمان بسیار تأکید می‌شد و نقش او را در فرزندپروری و انسان‌سازی بسیار با اهمیت تلقی می‌کرد. (Kosari Et al, 2017).

در کنار این گفتمان‌ها، گفتمان بارز دیگر، روشنفکری دینی بود. رزاقی معتقد است «جریان روشنفکری در ایران پاسخی در برابر سلطه‌ی تجدد بود. این جریان برآمده از دل سنت تلاش می‌کرد، دنیای مدرن را درک کند و با دفاع معقول از دین، نوعی سنت را باز تولید کند. این جریان به دنبال سامان‌بندی مجدد یک جامعه‌ی دینی بود» (Ghavam & Asadi, 2015) و روشن‌فکری دینی را می‌توان یکی از جریان‌های فکری نوینی دانست که با سیمایی کاملاً فرهنگی پا به عرصه‌ی تاریخی سیاسی معاصر ایران نهاد (Faramarzi, 2013) و روشنفکران دینی به‌مثابه‌ی یک نیروی دینی بدیل در میدان دینی وارد شدند. (Faramarzi, 2013).

از جمله کسانی که در آن دوران در حوزه‌ی روشنفکری دینی فعالیت داشت، مهدی بازرگان بود. کوشش‌های فکری بازرگان، تلاشی بود برای ارائه‌ی راهی جدید جهت تلفیق و بازسازی سنت و مدرنیته که توجه مرکزی او به سخت‌ترین هسته‌ی سنت، یعنی دین، معطوف شده بود (Mohammadi, 2019). «او به آیات قرآنی و اقوال پیامبر و امامان استناد می‌کند تا ثابت نماید که در اسلام، هیچ تبعیضی نیست و ایدئولوژی اسلامی، همه‌ی شهروندان در رابطه با نژاد، جنس یا طبقه، از حقوق برابری در مسائل اجتماعی، سیاسی و قضایی برخوردارند» (Jahanbakhsh, 2005). شریعتی از جمله روشنفکران دینی دیگری بود که در زمان پهلوی دوم افکارش مورد توجه قرار گرفت. او یکی از برجسته‌ترین متفکران مسلمان معاصر بود که تلاش وافر در فهم دین

داشت و در نتیجه عمل به دین نوآوری و نواندیشی داشته باشد تا از یک طرف دین را از خرافه پاک سازد و از طرف دیگر آن را از نو تعریف و بازخوانی و بازسازی کند» (Usefi Eshkevari, 2001) شریعتی خواهان برساخته شدن جامعه‌ای بود که از طریق تولد زن فاطمه‌وار امکان‌پذیر می‌دانست و می‌بایست دارای چنین ویژگی‌هایی بود: ۱- از نظر فردی این زن جایگاهی اسطوره‌ای و افسانه‌ای دارد؛ ۲- مخاطب احساسات پاک و معشوقه‌ی عشق‌های بزرگ قرار می‌گیرد؛ ۳- در ازدواج وارد پیوندی مقدس می‌شود؛ ۴- مادر است؛ ۵- هم‌چون آینه‌ای در برابر مرد است (Serajzade Et al, 2012).

«الگوی زن میانی در نظر شریعتی، تصویری قدسی و تن‌زوده دارد. سوزهی یک کنشگر آزادی‌خواهانه و مستقل از مناسبات سرمایه‌داری یا سنتی است. زن مدنظر شریعتی، نماد یک جامعه‌ی پاک از همه‌ی ناپالودگی‌های عصر جدید و قدیم است» (Serajzade Et al, 2012).

حال با آگاهی از این سه نوع گفتمان (مدرن و فمینیستی، سنتی - دینی و روشنفکری - دینی) به کتاب‌های بررسی شده برمی‌گردیم، در حالی که کتاب‌ها در زمان پهلوی نگارش شده و اندیشه‌های مدرن فمینیستی در آن زمان رواج داشته و هم‌چنین نواندیشی دینی نیز در جریان بوده است، گفتمان غالب بر کتاب‌هایی که در مورد ازدواج نوشته شده است، گفتمان سنتی دینی است و در جاهایی مشخصاً نویسنده انزجارش را از ورود فرهنگ غرب به ایران نشان می‌دهد. به عنوان مثال، قدسیه حجازی دارای دکترای حقوق بود و در مقدمه‌ی کتاب ازدواج در اسلام اذعان داشته است که تحت تأثیر زرق و برق تمدن غرب قرار گرفته بوده و میمون‌وار از آن تبعیت می‌کرده است و در تلاش بود تا خود را از دین فلج‌کننده (اسلام) برهاند (Hejazi, 1980). از خدا می‌خواسته که به او کمک کند تا به تعالیم اسلام آگاهی بیابد و حقیقت را درک کند که آیا عذاب کشیدن و رنج دین جزء ذات زن بوده و مقتضای خلقت اوست یا آن که امری است عارضی و قابل دفع (Hejazi, 1979). در واقع، این کتاب بیانگر تلاش نویسنده برای نشان دادن جایگاه متفاوت طبیعت زن و مرد در ازدواج است که با مفهوم فطرت که در گفتمان دینی به آن اشاره شد، همخوانی دارد و به دیدگاه سنتی آن زنان نیز نزدیک می‌شود. از این جهت دیدگاه دینی و سنتی را نزدیک به هم می‌دانیم که گاه مرز مشخصی بین آن‌ها وجود ندارد و در بسیاری مواقع با یکدیگر هم‌پوشانی دارند. پزشکی در کتابش صورت‌بندی مطالعات زنان در جهان اسلام دیدگاه سنتی را دیدگاهی می‌داند که مدعی است به ترویج تعالیم دین درباره‌ی زن می‌پردازد. تعالیم این دیدگاه، همان آموزه‌های رایج پیش از آشنایی مسلمانان با فرهنگ و تمدن غرب است. «دیدگاه سنتی به حفظ ارزش‌هایی می‌پردازد که مرد را موجودی برتر و قدرتمند، پرخاشگر، مقتدر، عقل کل خانه، و

زن را موجودی فرمانبردار به شمار می‌آورد» (Pezeshgi, 2011). بنابراین نمی‌توان گفتمان دینی و سنتی را از یکدیگر جدا ساخت و کتاب حجازی نیز تحت تأثیر این دو گفتمان قرار داشت. علی قائمی نیز ابتدا درس خوانده‌ی حوزه‌ی علمیه بوده است و بعد از آن نیز، در دانشسرای ایران و دانشگاه سوربن فرانسه، دکترای علوم تربیتی و جامعه‌شناسی مذهبی را دریافت کرد. (سایت پژوهشکده‌ی مجازی تربیت اسلامی بنیان) بنابراین وی فردی حوزوی و طلبه بوده و در بافت همان گفتمان سنت‌گرای ایدئولوژیک به نوشتن این کتاب پرداخته است. در این کتاب نیز دال‌هایی که گواهی بر روشنفکری دینی و یا اندیشه‌های فمینیستی وجود داشته باشد، نیست و هم‌چون کتاب حجازی تحت تأثیر گفتمان دینی و سنتی قرار داشت.

عنایت الله سهراب، سرهنگ ارتش شاهنشاهی بود (Sohrab, 1971). و گویی دستی بر قلم هم داشته است که کتابی نظیر «ازدواج در آستانه علم» را نوشته است. او نیز در همین گفتمان سنت‌گرا و دینی قرار می‌گیرد. زن و شوهر را در مورد پاکی نفس و زندگی سالم نصیحت فراوان می‌کند و مدام تأکید دارد که تحت تأثیر باورهای متجددین قرار نگیرند تا بتوانند زندگی خود را حفظ کنند:

اساس سعادت و رفاه یک خانواده که با مسئولیت مشترک دو همسر برای مدت یک عمر باید حفظ و اداره شود و فرزندانی سالم، مفید و برومند به جامعه تقدیم دارد، تا چه حد ملازم با تشخیص سالم است. تا فریب عادات و رسوم متظاهرین به تمدن و تجدد را نخورده، دامن خویش را لوٹ این عادات نیالایند (Sohrab, 1971).

اسماعیل ناصری هم که کتابش بیش از آن‌که ماهیتی روان‌شناسی داشته باشد، واگویه‌های دردمندی زندگی شخصی خودش است که سعی می‌کند برای انسجام زندگی زناشویی افراد در چارچوب سنت مشاوره دهد، او به نقش پدر در تربیت فرزند بیشتر از مادر معتقد است و حتی از عباراتی مانند پدر گارد محافظ خانواده و پدر در نقش کلانتر خانواده نیز استفاده می‌کند (Naseri, 1978) گویی پدر نگهبانی است که از زندانیان باید مراقبت کند. کتاب او حتی چندان تحت تأثیر گفتمان دین نیز نبوده است و بیشتر، از سنت تأثیر گرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این چهار کتابی که از آن‌ها سخن رفت، روح اسلام و جهان‌بینی آن و باورهای سنتی بر اثر مستولی است و دال‌ها و مدلول‌هایی به کار گرفته شده است که نویسنده بتواند آن جهان‌بینی خاص مد نظرش را در ذهن خواننده اثبات کند. در این مقاله از سه گفتمان بارز در دوره‌ی پهلوی دوم یاد شد: گفتمان مدرن و فمینیستی، گفتمان دینی سنتی و گفتمان روشنفکری دینی. باوجود

گسترده‌تری اندیشه‌های مدرن و فمینیستی در دوره‌ی پهلوی دوم و بحث‌های شکل‌گرفته در مورد حقوق برابر زنان و مردان و تساوی و برابری کامل زن و مرد و آزادی کامل زنان از قید مردان که از مهم‌ترین دیدگاه‌های کلان جریان فمینیسم در ایران بود (Shamsi & Nasiri, 2017)، گفتمان ازدواج هم‌چنان تنها حول محور گفتمان دینی و سنتی قرار داشت و باور به نابرابری ذاتی بین زن و مرد پررنگ بود و در این کتاب‌های ازدواج نگاه تساوی‌گرایانه‌ای در روابط زن و مرد در ازدواج وجود نداشت، نگاه تساوی‌گرایانه به این معنا که زن و مرد را از لحاظ زیست‌شناختی و روان‌شناختی متفاوت نبیند و تمایزات آن‌ها را بیشتر با ریشه‌های غیرطبیعی، اجتماعی، تاریخی و یا تربیتی ببیند (Hakimpur, 2006).

در پاسخ به این سؤال که این چهار اثر شباهت و یا تفاوت گفتمانی دارند، تقریباً در کلیت گفتمانی تقریباً یکسانی قرار می‌گیرند؛ به عبارتی دیگر، گفتمان این چهار اثر در تقابل با یکدیگر نیست (یکی در گفتمان سنت و دیگری در گفتمان مدرنیست)، هرچند خرده‌گفتمان‌های متفاوتی را در دل خود جای دادند. از عنوان کتاب و گفته‌های حجازی در مقدمه‌ی کتابش چنین بر می‌آید که قصد دارد ازدواج را از دیدگاه اسلام بررسی کند، اما آنچه بیشتر از مبانی اسلام در دال و مدلول‌های کتاب خودنمایی می‌کند، پررنگ ساختن نگرش طبیعت‌گرایانه و ذات‌گرایانه است که گاهی به اغراق می‌انجامد. به عشق و محبت بین دو جنس اعتقادی ندارد در صورتی که آیه‌ی ۲۱ سوره روم می‌فرماید: «و از نشانه‌های او آن است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میان شما و همسرانتان علاقه‌ی شدید و رحمت قرار دارد؛ بی‌شک در این برای گروهی که می‌اندیشند نشانه‌های قطعی است». بنابراین، اگر چه اثر حجازی در تقابل با اثر قائمی دست‌کم در عنوان قرار نمی‌گیرد و تلاش دارد تا در گفتمان رایج اسلامی سخن بگوید، اما در تمامیت کتاب موفق نبوده است تا این هدف را دنبال کند؛ در حالی که قائمی با توجه به آیات و روایات به کار گرفته شده توانسته گفتمان نزدیک‌تری را به هدفش در اثر شکل دهد.

اما ارتباط این دو کتاب با دو کتاب بعدی ازدواج در آستانه‌ی علم و روان‌شناسی ازدواج در تقابل با هم قرار نمی‌گیرند. درواقع، آن‌گونه‌ای که در عنوان کتاب‌ها از علم و روان‌شناسی نام برده می‌شود، نمی‌توان در محتوای کتاب به دنبال علم و روان‌شناسی به معنایی که از روان‌شناسی غربی در ذهن داریم گشت. این دو کتاب بیش از آن که در غیریت با کتاب حجازی و قائمی قرار گیرند، در گفتمان سنتی و دینی آن‌ها جای می‌گیرند، البته با خرده‌گفتمانی‌هایی متفاوت.

بنابراین، نتایج این مقاله تا اندازه‌ای با مقاله‌ی «مطالعه‌ی نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران» همسو است؛ چرا که در آن مقاله نیز نویسندگان به این نتیجه رسیده بودند که بالاترین سطح ارزش ازدواج مربوط نسل متولدین سال‌های قبل از ۴۲ که گروه سنی بالای ۵۰ سال را تشکیل

داده‌اند، می‌باشد و در نسل‌های مربوط به پیش از انقلاب، نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده در حد قوی بوده است و در این نسل تأثیر مثبت دینداری بر ارزش ازدواج بیشتر از نسل‌های بعدی بوده است که می‌تواند بدین معنا باشد که در این نسل، ازدواج مبنای دینی داشته و ازدواج براساس باورها و آموزه‌های دین شکل می‌گرفته است (Sorahi, H & Ojaghlu, S, 2013).

زن مطلوب نیز در این آثار، همان زنی است که به گفتمان دینی و گفتمان خاص امام‌ خمینی نزدیک است؛ یعنی زنی که عفت را مدام پیشه خود دارد و زنی دیندار است، و مهم‌تر از آن‌ها زنی است که خانه‌برایش بیش از اجتماع ارزش دارد و مادری فداکار است و مهم‌ترین نقش او انسان‌سازی است.

References

- Abaszade, M & Nikdel, N. (2017). Field of underlying background of delay in marriage with a phenomenological descriptive approach. Journal of woman in culture and art. Winter, 8, 4, 493- 516. [in Persian]
- Ahmadi, O. (2011). Family challenges review, in the field of bottleneck and delay of marriage in Iran/ Supreme council for cultural revolution. Tehran. Rahdan. [in Persian]
- Ahmadi khorasani, N & Ardalani, P. (2004). Senator (Mehrangiz Manuchehrian activities in the context of women's legal campaign in Iran). Tehran. Towse'e. [in Persian]
- Amini, E. (2011, first edition 1976). Conjugal life. Ghom. Bostane ketab. [in Persian]
- Ali Mohammadi, T & Zargush, A. (2010). Analyze the legitimacy of customary marriage from the Sunni perspective, consequences and it's challenges. Journal of women and family studies. winter 4, 94- 18. [in Persian]
- Bhatia, V Et al (editor), Advances in discourse studies. Rutledge. New York; 2008
- Eshaghi, H. (2007 first edition 1976). Feminism. Tehran. center of IRIB Islamic broadcasting researches. [in Persian]
- Faramarzi, F. (2013). Religion in Second Pahlavi era Iran. Tehran. Elm. [in Persian]
- Fairclough, Norman (2003). Analyzing Discourse: Textual analysis for social research. New York. Routledge.
- Ghaemi, A. (1977). Family formation in Islam, offset print. [in Persian]
- Ghajari, H & Nazari, J. (2014). Usage of Discourse analysis in social researches, Tehran, Jameeshenasan. [in Persian]
- Ghavam, S A & Asadi, M (2015). A comparative study of the position of women in various discourses of contemporary history of Iran. Journal of cross- cultural studies. Winter, 23, 9- 42. [in Persian]

- Gholamzade jefre, M. (2016). Purposefulness comparison of marriage functions in satisfied and dissatisfied married people and investigation of its relation to vitality, PhD thesis, unpublished. Allame Tabatabaee university. [in Persian]
- Hakimpur, Mohamad. (2006). women's rights in the struggle tradition and modernity, Tehran, naghme noandish. [in Persian]
- Hejazi, Gh. (1980, first edition 1967). Marriage in Islam. Tehran. Journal of Ghodsi legal research center. [in Persian]
- Hejazi, Gh. (1979, first edition no date). Woman value or woman in judicial and social. Ferdousi Printing office. [in Persian]
- Jahanbakhsh, F. (2005). Islam, Democracy and religious modernism from Sorush. (Translation by Parvin Jalili). Tehran. Gaameno. [in Persian]
- Jorgensen, M & Phillips, L. (2011). Discourse analysis as theory and method. (translation by Hadi Jalili). Tehran. Ney. [in Persian]
- Karimian, N & Zarei, A. (2016). Qualitative study of the women situation of cohabitation relationship with the opposite sex. Scientific research journal of woman and society. Summer, 7,2, 39- 67. [in Persian]
- Khalaj Abadi Farahani, F & Shojaee, J. (2013). Attitude of Tehran university students on the impact of association with the opposite sex before marriage in marital satisfaction. Journal of strategic studies of women. autumn, 16, 61, 149- 188. [in Persian]
- Khalegh Panah, K & Habibi, F. discourse theory as methodology of cultural studies in Mirzaee, H. (2014). An introduction of cultural studies. Tehran. institute of cultural and social studies. [in Persian]
- Kosari, M Et al. (2017). Emam Khomeini and The construction of women's identity in the Islamic Revolution: how to deconstruction second Pahlavi discourse and semantic hegemony of Emam Khomeini. Women in development and politics. Autumn, 15, 3, 327-357. [in Persian]
- Lakzaee, N. (2003). Ayatollah Motahari political thought. Ghom. Bostane ketab. [in Persian]
- Lakzaee, N. (2012). Political- social changes of contemporary Iran. Ghom. Eslamic science and culture institute. [in Persian]
- Mahbubi Manesh, H. (2005). Social changes of marriage. Journal of strategic studies of women. Winter, 26, 172- 202. [in Persian]
- Mohammadi, M. (2010). Challenges of tradition and modernity in Iran. Tehran. research deputy of Azad eslamic university. [in Persian]
- Mohammadi, R. (2017). Exploring the life experience of sacrifice in long term marriage: a descriptive phenomenological study. PhD thesis, Unpublished university. Chamran university. [in Persian]
- Molla Abasi, M & Hazeri, A M. (2016). The position of the concept of nature in the social- religious conflicts of the second Pahlavi period. Journal of social theories of Muslim thinkers. Spring and summer, 6, 1, 57- 79.
- Motahari, M. (2013, first edition 1975). Women's rights system in Islam.Tehran. Sadra. [in Persian]
- Naseri, E. (1978). Marriage psychology. Tehran. Naseri. [in Persian]

- Pezeshgi, M. (2011). Formation women's studies in Islam world. Qhom. Science and Islamic culture institute. [in Persian]
- Serajzade, H Et al. (2012). Clean community discourse: deconstructing the politics of the female body display in the Pahlavi period. Cultural studies and communications. Spring, 26, 27- 50. [in Persian]
- Shamsi, A & Nasiri. A (2017). Cultural- intellectual processology of feminism in contemporary Iran. Ghom. Imam Sadegh Islamic science institute. [in Persian]
- Shojaee bidvaz, M. (2010). The role of Quranic teaching in the sustainability on marriage with emphasis on votes Allame Tabatabaee and Ayatollah Javadi Amoli. M.A Thesis, unpublished. University Science and education of Quran. [in Persian]
- Sohrab, E. (1971). Marriage on the brink of science. Esfahan. Taeed. [in Persian]
- Soltani, A. (2006). Power, discourse and language: power flow mechanism in Islamic republic of Iran. Tehran. Ney [in Persian]
- Soltani, A. (2015). Discourse semantics of one «separation», Sociological studies, 21, 2, 43- 72. [in Persian]
- Sorahi, H & Ojaghlou. S (2013). A generational study of marriage change in Iran. Journal of Iranian social development studies. Autumn, 5, 4, 19- 41. [in Persian]
- Usefi Eshkevari, H (2001). Shariati and criticism of tradition. Tehran. Yadavaran. [in Persian]
- Virtualinstitute.ir/post/278

